

۳ اجبار در پوشش! آری یا خیر؟

میزگرد حجاب اجباری در امفی تئاتر

۴ جهان پیچیده ما

گردهمایی بیست و پنجم ژرفا با موضوع

سیستم‌های پیچیده

جانی دوباره خواهیم گرفت

موجودی صندوق نیکوکاری شریف با حمایت
خیرین به پنج میلیارد تومان رسید

سرمقاله

نود و هشت درصد همیشگی

خیلی مهم است وقتی می‌خواهی سازمانت را معرفی کنی، روی کدام ویژگی آن مانور بدهی. اهمیت این موضوع وقتی بیشتر می‌شود که بخواهی در زمانی محدود، سازمانی بزرگ و پرافتخار مثل دانشگاه صنعتی شریف را معرفی کنی. اینجاست که هر جمله و هر کلمه اهمیتی دو چندان پیدا می‌کند. در گردهمایی و ضیافت افطار نیکوکاران و حامیان دانشگاه باز هم به این جمله معروف رسیدیم که «۹۸ درصد از رتبه‌های زیر صد کنکور سراسری شریف را انتخاب می‌کنند». سپس از ۱۰ درصد طلاهای المپیاد نیز که به شریف می‌آیند، یاد شد - البته جز آنها که می‌خواهند رشته‌ای غیر از رشته‌های شریف بخوانند. این حرف‌ها را در خوشامدگویی به ورودی‌های جدید، جشن دانش‌آموختگان، مصاحبه با تلویزیون و هر جای دیگر هم پاشنیده‌ایم، یا آمادگی شنیدنش را داریم. خاطره خوبی از این درصدها ندارم. یکی از این خاطرات، مربوط به آمار و درصدهای رشد علمی و تولید علم است. دائم در بوق و کرنا کرده‌ایم که در رشد علمی در جهان اول شدیم و در تولید علم بین بیست کشور اول هستیم و از این دست آمارها. اما تعداد مقالات که ما آن را ملاک «تولید علم» قرار داده‌ایم، وقتی نیازی از کشورمان حل نمی‌کند قابل افتخار است؟ در خصوص آن ۹۸ درصد چطور؟ اگر در شریف تحصیل کنند تا بتوانند به خارج از کشور بروند و دیگر برنگردند، آیا باز هم ورود آنها به شریف افتخارآمیز است؟ اصلاً مگر دانشگاه چقدر از سر نوشت فارغ‌التحصیلانش آگاه است که بتواند از عملکردش دفاع کند یا آن را اصلاح کند؟

من اگر جای مسئولان دانشگاه بودم تمرکزم را می‌گذاشتم برای آنکه بگوییم شریف برای جامعه چه کرده است، در مرکز موفقیتان چه خدماتی به توان‌یابان ارائه داده است، چقدر تخبه را در مقام هیأت علمی جذب کرده و چه گرهی از صنعت، اجتماع و فرهنگ کشور باز کرده است. شاید قدم بعدی این باشد که تمام هم و غم خود را بر این بگذاریم تا آمار مهاجرت‌های بی بازگشت را کاهش دهیم و بر چسب «ترمینال پروازهای خروجی» را از خودمان پاک کنیم. شریف هر چند شریف است، ولی انتخاب آن به عنوان بهترین مقصد لزوماً به معنی عملکرد خوب دانشگاه نیست، بلکه می‌تواند ناشی از ضعیف بودن رقبا و گزینه‌های پیش روی داوطلبان باشد. اگر در جذب منابع، خودمان را با هاروارد و ام‌آی‌تی مقایسه می‌کنیم، شایسته نیست برتر بودن مان را در مقایسه با دانشگاه‌های دیگر کشور بلند بگوییم، بلکه شایسته‌تر است که رقبای خود را نیز جهانی بدانیم تا جهانی شویم.



محمد صالح
انصاری



بازی با ریاضی

با گرفتن تعدادی مشتق از داده‌های آن و تبدیل درصد به تعداد یا تعداد به درصد، خلاصه با بازی اعداد یک چیزی درمی‌آید که رتبه اول است. فتوحی در ادامه افزود: «به دنبال ارتباط بیشتر با دانشجویان در دانشگاه و خوابگاه هستیم. مقرر شده است کارگروهی برای این منظور تشکیل شود.»

البته دکتر! ما دانشجویان فعلا قصد ادامه تحصیل داریم و می‌خواهیم تا مدارج بالا ادامه بدهیم و چندان مایل به ارتباط بیشتر نیستیم، فلذا خواهشمندیم که این ارتباط در همین حد دوستی ساده باقی بماند.

سخن
مسئولین

رضا علیپور

دکتر فتوحی در جلسه شنبه هفته پیش با جمعی از منتخبان دانشجویان گفت: «مرکز مشاوره در سطح کشور چندین سال است که رتبه اول را دارد. اینطور هم نیست که بگوییم رسیدگی نمی‌کند و ضعف‌های بسیاری دارد.»

رتبه اول؟! بین کدام مرکز مشاوره‌ها؟! اصلا اگر این قضیه حقیقت دارد، پس چرا مرکز مشاوره شریف را در لیگ قهرمانان آسیا مشاهده نمی‌کنیم؟! البته جدا از شوخی، هر چیزی در ایران قابلیت اول شدن در یک زمینه را دارد؛ حالا به صورت عادی اول است یا

اكران مستند نگران كننده تالان با موضوع آب‌های زیرزمینی

وقتی همه خوابیم



یکی از نکات قوت جلسه، حضور مهمانان مرتبط در پنل بعد از اکران فیلم بود. جلال الدین میرنظامی از پژوهشکده سیاست‌گذاری دانشگاه شریف، محمدصادق دهقانی، کارگردان مستند و نیز انوش نوری اسفندیاری از اندیشکده تدبیر آب، مباحث مستند را به بررسی کارشناسانه گذاشتند و به سوالات حضار جواب دادند.

معنای لغوی تالان، «تاراج» است. تالان یک مستند آگاهی‌بخش است و واقعیتی که تالان در باره بحران آب زیرزمینی در خراسان به تصویر می‌کشد، آنقدر تکان‌دهنده است که در وصف این مستند درست گفته‌اند که «هر ایرانی، باید آن را ببیند». فیلم مستند تالان را «جمعیت ناجیان آب» که یک تشکل مردمی در حوزه آب است، پس از یک پژوهش و تلاش ۲ ساله، تولید کرده است. تالان تاکنون در مجامع علمی و سیاستی زیادی به نمایش در آمده و توانسته جوایز متعددی را کسب کند که مهم‌ترین آنها، جایزه بهترین مستند نیمه‌بلند دهمین جشن مستقل سینمای مستند ایران است. علاقه‌مندانی که در جلسه حضور نداشتند، می‌توانند از طریق سینمای هنر و تجربه، آن را تماشا کنند. همچنین فایل صوتی و گزارش‌های تکمیلی نیز از طریق کانال‌های تلگرام مدرسه توسعه پایدار (@sdschool) و گروه دوستداران محیط زیست (@sharif_gs) قابل دسترسی خواهد بود.

آمفی تئاتر مرکزی بعد از ظهر روز ۱۵ اردیبهشت میزبان نشست‌هایی بود که با همکاری مشترک مدرسه توسعه پایدار و انجمن علمی دوستداران محیط زیست دانشگاه شریف برگزار می‌شد. این نشست که به اکران مستند تحسین شده «تالان» و بحث درباره آب‌های زیرزمینی اختصاص داشت، در ادامه سلسله نشست‌های «توسعه پایدار برای ایران» برگزار شده و شورای مدیریت سبز دانشگاه و معاونت فرهنگی نیز در پوشش هزینه‌های برگزاری آن کمک کرده بودند.

برگزارکنندگان در توضیح این رویداد نوشته بودند که «حال آب‌های زیرزمینی در ایران خوب نیست و زنگ‌های هشدار برای آن مدت‌هاست به صدا در آمده است. واقعیت این است که ما در چند دهه گذشته با حفر بیش از توان ظرفیت سرزمینی چاه‌های مجاز و غیرمجاز و به بهانه‌های مختلف توسعه‌ای، سبب فرونشست‌ها و ایجاد شکاف‌های عمیق در دشت‌های آبی مختلف کشور شده‌ایم که تقریباً تمامی نواحی کشور را هم درگیر خود کرده است. وضعیت ایران از نظر اضافه برداشت از آب‌های زیرزمینی یکی از قریب‌ترین‌ها در دنیاست و هر چند وقت یکبار، خبرهای نگران‌کننده‌ای از فرونشست‌های جدید زمین و یا خشک‌شدن دشت‌ها و تالاب‌های حیات‌بخش کشور، منتشر می‌شود.»

گزارش

ها مونی
طهماسبی

شنبه

هراس از زمین

کانون تئاتر، نمایش هراس از زمین را از تاریخ ۲۸ تا ۳۱ اردیبهشت، ساعت ۱۷ در آمفی تئاتر مرکزی برگزار می‌کند. برای تهیه بلیت به مقابل سلف مراجعه کنید.

اعتکاف رمضانیه

مراسم معنوی اعتکاف رمضان را هیأت‌الزهره(س) در تاریخ ۹ تا ۱۱ خردادماه در مسجد دانشگاه شریف برگزار می‌کند. ثبت نام از ۲۵ تا ۳۱ اردیبهشت در azzahraa.sharif.ir انجام می‌شود. برای کسب اطلاعات بیشتر به @azzahraasharif و یا @azzahraaetekaf مراجعه نمایید.

فشارخون رایگان

به مناسبت روز جهانی فشار خون، اندازه‌گیری رایگان فشار خون در مرکز بهداشت و درمان امروز از ساعت ۹ الی ۱۲:۳۰ با حضور پزشک، کارشناس مراقب سلامت و کارشناس تغذیه برگزار می‌شود.

دوشنبه

آزمایشگاه بر تراشه

زنگ پژوهش و فناوری مکانیک با موضوع «آزمایشگاه بر تراشه» با ارائه دکتر تقی‌پور، دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ساعت ۱۳:۳۰ تا ۱۵:۰۰ در سالن سمینار دانشکده مکانیک برگزار می‌شود.

کارگاه سیرنگ

کارگاه سیرنگ با موضوع «تصمیم‌گیری گروهی از دیدگاه روانشناسی» با ارائه خانم هما عسکریان (روانشناس بالینی) دوشنبه ۳۰ اردیبهشت از ساعت ۱۶ الی ۱۸ برگزار می‌شود. برای ثبت نام به setak.sharif.ir مراجعه کنید.

مدیران دیجی کالا در شریف

انجمن علمی دانشکده صنایع، برنامه «گفت‌وگو با مدیران ارشد دیجی کالا» را با موضوع «چگونه یک

شریف
نیوز

مدیر محصول شویم؟» دوشنبه، ۳۰ اردیبهشت از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در سالن جابر برگزار می‌کند. برای ثبت نام به @ssa_iesharif مراجعه کنید.

سرقت علمی

انجمن علمی گروه فلسفه علم سخنرانی با موضوع «سرقت علمی: تلقی مدرن و سنتی» را با ارائه دکتر آرش اباذری و دکتر محسن زمانی، دوشنبه ۳۰ اردیبهشت ساعت ۱۳ برگزار می‌کند. برای کسب اطلاعات بیشتر به @philsharif سرزنید.

سفره کریمانه کریم اهل بیت (ع)

گروه خیریه فردای سبز سفره افطاری خود را در روستای کلین فشافویه پهن می‌کند. این برنامه با همراهی گروه جهادی شهید وزوایی و هیأت‌الزهره(س)، دوشنبه ۳۰ اردیبهشت برگزار می‌شود. برای شرکت در این برنامه و کمک در هزینه‌های آن به کانال @FSabzStudents مراجعه کنید.

سه‌شنبه

محفل قرآن کریم

محفل باشکوه قرآن کریم با قرائت استاد محمدجواد پناهی و استاد حامد شاکرنژاد، همراه با اجرای گروه تواشیح بین‌المللی طه و با حضور مجری شبکه قرآن، استاد محمدهادی صلح‌جو سه‌شنبه ۳۱ اردیبهشت همزمان با میلاد امام حسن مجتبی (ع) از ساعت ۱۸ تا ۲۰ در مسجد دانشگاه برگزار می‌شود.

پنج‌شنبه

شب در غار بورنیک

گروه کوه برنامه شبانه غار بورنیک را ویژه دختران در تاریخ ۲ و ۳ خرداد برگزار می‌کند. جلسه توجیهی و ثبت نام شنبه ساعت ۱۲ در کلاس ۱ ساختمان شهید رضایی برگزار است.

ترین‌ها

«انتخاباتی»ترین

یکی از مراسم‌های مهم دانشگاه در هفته گذشته مناظره بین دو نماینده از دو طیف مختلف سیاسی بود؛ سید محمود نبویان از جبهه پایداری و مصطفی تاج‌زاده از جبهه اصلاحات. چنین مناظرات سیاسی همیشه دانشجویان بسیاری را به خود جذب می‌کند، اما اغلب اوقات صحبت‌های طرفین محتوای چندانی در بر ندارد. این بار نیز تاج‌زاده و نبویان در بسیاری موارد پاسخ‌هایی بی‌ربط به صحبت طرف مقابل می‌دادند و سوالات زیادی را نیز بی‌پاسخ گذاشتند. این دسته از مناظرات مقام «انتخاباتی»ترین را کسب می‌کنند زیرا بیشتر محل تهییج دانشجویان و دعوا و جدل هستند.



«فریاد بی‌صدا»ترین

سه‌شنبه هفته گذشته انجمن مستقل میزگردی با عنوان «اجبار در پوشش! آری یا خیر؟» در آمفی تئاتر مرکزی برگزار کرد. در این میزگرد که در آن دکتر سراج، خانم دکتر کولایی و حجت الاسلام عبد‌الهی حضور داشتند، بحث‌های داغی میان دانشجویان و سخنرانان شکل گرفت و نقطه نظرات جالبی مطرح شد، اما این بحث و جنجال‌ها گوش شنوای دانشجویان را کم داشت و فریادهای این میزگرد به دلیل استقبال کم دانشجویان بی‌صدا ماند. می‌توان حدس زد که شاید اگر دانشجویان بیشتری در این جلسه حضور می‌یافتند، دیدگاه‌های متنوع‌تری مطرح می‌شد.

اندازه گیری‌های جگردار

طی همین چند وقت گذشته دو اتفاق جالب در دانشگاه رخ داد؛ شرکت تیم دانشگاه شریف در المپیاد آمار برای اولین بار و اظهار نظر جالب دبیر هیأت الزهرا در مورد دین‌داری دانشجویان. چرایی جالب بودن این اتفاقات از این روست که طراحی پرسشنامه‌های نظرسنجی، در کنار علم تحلیل داده، خود یک علم مستقل و رو به رشد با چالش‌های بسیار برای عدم جهت‌گیری است و حتی بهترین تحلیلگران داده شریف هم نه‌تنها خود را به درک اولیه از این علم، بلکه به شرکت در المپیادهای مرتبط نظیر المپیاد آمار نیز ملزم می‌دانند. اما در سوی علم‌گريزانه این رخداد، پیدا می‌شوند افرادی که میزان غذای پخش شده در یک رویداد یا شرکت کنندگان یک سفر را ملاک دین‌داری افراد می‌دانند؛ بدون در نظر گرفتن این موارد که یک سفر با تم مذهبی، همراه با سایر دوستان دانشگاه هر چه نباشد یک سفر است و ممکن است افراد شرکت‌کننده آنچنان هم که به نظر می‌رسد، مذهبی نباشند. حتی فارغ از مخالفت یا موافقت با این فاکتورهای اندازه‌گیری، میزان مذهبی بودن افراد آیا قابل اندازه‌گیری است؟ آیا فردی که نماز جماعت می‌خواندولی با حجاب قانونی مخالف است و آزادی در دین و پوشش را امری شخصی می‌داند، مذهبی نیست؟ حق ندارد در مراسم محرم دانشگاه شرکت کند و یا این شرکت کردن به معنای قبول داشتن یک تفسیر خاص از دین‌داری است؟ آیا این فاکتورهای اندازه‌گیری شده در قاموس علم می‌گنجد؟

برای بسیاری از دانشجویان سوالاتی از این دست پیش آمده است اما یک پاسخ بیشتر از جانب دبیر هیأت دریافت نشد: «ترجیح میدم ادامه بحث رو با کسی بکنم که یه کمی... داشته باشه!» (جای خالی رو میتونید بخونید: جگر...) این جواب، آن هم از دبیر هیأت الزهرا، نه‌تنها به‌عنوان شخص حقوقی وجه نامناسبی از صاحب هیأت حضرت زهرا (س) ارائه می‌دهد، واکنش‌های منفی زیادی را نیز برمی‌انگیزاند. به‌همین دلیل نگارنده پیشنهاد می‌کند در کنار لزوم انتشار توضیح ملاک‌های جگرداری، و اندازه‌گیری و نحوه انتخاب آنها از سوی نهادهای مذهبی، عزیزان به دفاع الکن از دین نپردازند، چراکه این دفاع خود بزرگ‌ترین لطمه را به دین می‌زند و «جگر» را بر عقل حاکم می‌سازد.



کند. ولی در مملکت ما قانون یک شوخی بزرگ است. در کدام فرهنگ و جامعه افراد می‌گویند که چون به نظر من این قانون اشکال دارد، به آن تن نمی‌دهم و آن را اجرا نمی‌کنم؟ اگر یک قانون غلط است، باید از راه‌های نرم و ساختاری و حاکمیتی و فرهنگی و فکری تلاش کنیم تا آن را تغییر بدهیم. ورودی دوم بحث اعتقاد و دین است. حجاب در ادیان الهی، قبل از اینکه یک قانون شرعی باشد، یک الزام اجتماعی است. خداوند به پیغمبر گفت: به زنان بگو برای اینکه از تعرض و آزار مردان در امان باشند، پوشش را رعایت کنند. برای اینکه هویت جنسی زن در لایه خانواده قرار بگیرد و هویت انسانی او در جامعه نمایان باشد، حکم حجاب در قانون اسلام به وجود آمده است.»

عبداللهی در ادامه به بحث اجباری بودن حجاب اشاره می‌کند: «من این را قبول دارم که اعتقادات را نمی‌توان اجبار کرد ولی بحث حجاب اصلا به اعتقادات ربطی ندارد. حجاب یک امر شخصی نیست. در دوران امروز که دوران هژمونی رسانه است، دیگر امر شخصی و غیرشخصی معنا ندارد.» او در واکنش به حرف‌های دکتر کولایی گفت: «من تکذیب می‌کنم که بین فقهای اسلامی، اختلاف نظر بر سر حدود حجاب است. همه کسانی که سواد اسلامی دارند، قبول دارند که حجاب همین است. شما یک پتک اجبار برداشته‌اید و بر سر حجاب می‌کوبید. مگر فرهنگ رانندگی در اروپا چگونه درست شد؟ با جریمه! جریمه و اجبار ابزار است و لزوما چیز بدی نیست. اتفاقا وقتی باعث رشد و سعادت بشر شود، خوب است.»

میزان رأی مردم است

عبداللهی با نظر دکتر سراج درباره تغییرناپذیر بودن قوانین هم مخالف بود و گفت: «در حکومت اسلامی تشکیل‌دهنده حکومت و ضامن بقای حکومت مردم هستند. اگر اکثریت مردم مادر یک زمانی بگویند که جمهوری اسلامی نمی‌خواهیم ولی فقیه بر حکومت باقی بماند، غاصب است و خداوند او را مجازات خواهد کرد. اتفاقا این جمله معروف امام که می‌گوید میزان رای مردم است، به این معناست که فلسفه وجودی ولی فقیه، حمایت از رای مردم است.»

میزگرد حجاب اجباری در آمفی تئاتر

اجبار در پوششش! آری یا خیر؟

سه‌شنبه ۲۴ اردیبهشت، انجمن اسلامی مستقل، یک میزگرد با موضوعیت حجاب اجباری در آمفی تئاتر مرکزی برگزار کرد. یک سیاست‌مدار، یک حقوق‌دان و یک روحانی برای مباحثه دعوت بودند. تعداد انگشت‌شماری از دانشجویان در این برنامه فرهنگی حضور داشتند. مقایسه آن با حضار پرتعداد برنامه دوشنبه آقایان تاج‌زاده و نبویان، نشان از فضای سیاست‌زده این روزهای جامعه دارد.

گزارش

نگین خسروانی‌نژاد

در جست‌وجوی روح قانون

دکتر الهه کولایی، نماینده اصلاح‌طلب مجلس ششم با قانون حجاب اجباری موافق نیست. او که دکترای روابط بین‌الملل دارد می‌گوید: «زنان، به‌عنوان مادر یا همسر، نقشی هویت‌بخش در حیات هر جامعه دارند. در تغییراتی که به‌عنوان فرآیند نوسازی در جوامع رخ می‌دهد، معمولا مسأله زنان پررنگ است. این اتفاق بسیار طبیعی است. مسأله‌ای که ایراد دارد، استفاده از ابزار زور است. همان‌طور که رضاشاه دیکته کرد که زنان باید حجابشان را بدارند، امروز جمهوری اسلامی دیکته می‌کند که زنان باید حجاب داشته باشند.»

او معتقد است این اجبار، امروزه به شکل قانون در آمده: «ما قانون و نهاد پارلمان را وارد کرده‌ایم، در حالی که زیرساخت‌های آن وجود نداشته‌اند. امروز صد سال از مشروطه می‌گذرد ولی ما هنوز آرزوی اجرای قانون را داریم. در کشور ما، قرن‌ها در داخل خانه‌ها و در سطح جامعه استبداد حاکم بوده است. در اینجا روح قانون وجود ندارد. قانون می‌گوید انسان‌ها حقوق برابر دارند و باید محترم شمرده شوند. چقدر این باور در کشور ما وجود دارد؟ آیا چون ما پارلمان و قانون را وارد کرده‌ایم، یعنی این باورها اینجا شکل گرفته‌اند؟»

یکسان‌سازی با چاشنی اجبار

دکتر کولایی سیاست حجاب اجباری را با قوانین سخت‌گیرانه کمونیستی مقایسه می‌کند: «بروید ببینید چه بر سر شوروی آمد وقتی می‌خواست یک انسان با ویژگی‌های خاص بسازد. حکومت ما هم می‌خواهد انسان اسلامی بسازد. اما مگر می‌شود سلیقه‌ها را یکسان کرد؟ سلیقه‌ها و باورها و ارزش‌های هر کسی متفاوت است. در ایران، الگوهای بیرون و داخل خانه متفاوت هستند و افراد یک زندگی دوگانه دارند. چرا باید چیزی را به کسی تحمیل کنیم که آن را باور ندارد ولی برای جایگاه و شغل و استخدامش باید آن را انجام دهد؟ حکومت ما اسلام را فقط به پوشش تقلیل داده است. علمای اسلام در تعیین حدود حجاب اتفاق نظر ندارند. با این حال من نمی‌خواهم بحث فقهی کنم چون در تخصص من نیست. حرف من درباره کارآمدی این سیاست است.»

وکیل داغ‌تر از شاکی

دکتر سراج، استاد دانشگاه حقوق به اجبار در پوشش آری می‌گوید. به عقیده او: «چون رویکرد جامعه ما اسلامی است، برای صحبت کردن درباره این مسائل، باید بر پایه

ذره‌بین

سحری گرم خوابگاه به چه کسانی نمی‌چسبد؟

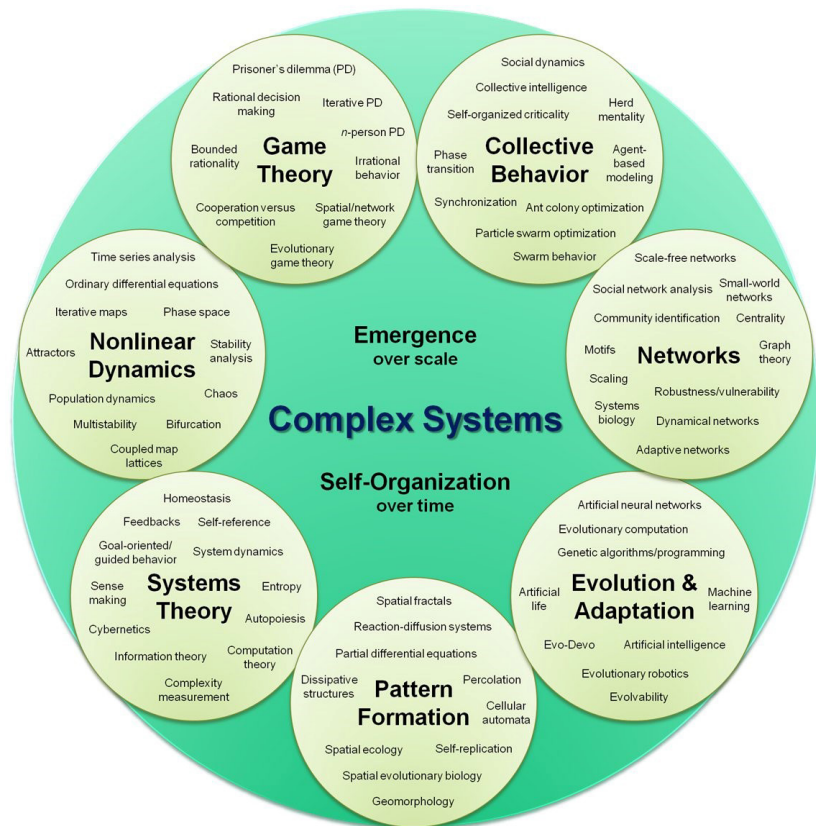
می‌روند در حالی که وسایل حمل و نقل عمومی هم مثل روز فعال نیست و هزینه رفت و برگشت زیاد می‌شود. این مسأله در خوابگاه دختران و برای کارگران خانم به واسطه ناامنی محله شدیدتر است. با توجه به اینکه گرم کردن سحری در خوابگاه پسران به واسطه کمبود وقت و گاز مشترک، بسیار سخت‌تر از خوابگاه دختران است که هر اتاق آشپزخانه جدا دارد، احتمالا همین وضع باید ادامه پیدا کند ولی بسیاری از دختران می‌گویند حاضرند چند ساعت پس

از افطار، سحری خود را نیز دریافت کنند و آن را گرم کنند تا کارگران نیز کمتر اذیت شوند. البته دسته‌ای دیگر نیز هستند که روزه نمی‌گیرند و از به هم خوردن ساعت خواب خود به خاطر دریافت سحری معترض‌اند. آنچه مسلم است وضعیت غیراستاندارد و نارضایتی کارگران توزیع غذاست که نیاز به رسیدگی دارد؛ یا با تغییر ساعت کاری، یا با امکانات رفاهی مناسب (مثل محل استراحت و...) یا احتمالا با افزایش حقوق و مطلوبیت اقتصادی.

گردهمایی بیست و پنجم ژرفا با موضوع سیستم‌های پیچیده

جهان پیچیده ما

بیست و پنجمین گردهمایی ژرفا، انجمن میان‌رشته‌ای فیزیک، ریاضی و فلسفه علم دانشگاه شریف، با موضوع سیستم‌های پیچیده، سه‌شنبه هفته گذشته، در تالار جابر برگزار شد. سخنرانان این برنامه دکتر سامان مقیمی، عضو هیأت علمی دانشکده فیزیک شریف، دکتر عبدالحسین عباسیان، عضو هیأت علمی پژوهشکده علوم شناختی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی و دکتر عطا کالیراد، محقق پسادکتری در پژوهشکده علوم زیستی پژوهشگاه دانش‌های بنیادی بودند. در انتهای سمینار نیز میز گفت‌وگو با حضور دکتر شاهین روحانی، عضو هیأت علمی دانشکده فیزیک شریف، دکتر سیدعلی حسینی، عضو هیأت علمی دانشکده فیزیک شهید بهشتی و سخنرانان برنامه برگزار شد. نکته قابل توجه حضور و ثبت‌نام دانشجویان فلسفه و هنر در این گردهمایی بود.



عینک جدیدی برای مطالعه طبیعت به ما می‌دهد. مکتب پیچیدگی به ما می‌گوید مستقل از اینکه مسأله‌ای تا پیش از این در کدام حوزه خاص از علم بررسی می‌شده، باید با نگاهی از پایین به بالا به دنبال حل آن مسأله باشیم و هم‌زمان از همه امکانات فنی و تحلیلی‌مان برای حل آن استفاده کنیم. برای مثال، مسأله مغز یک مسأله در فیزیک یا شیمی یا زیست‌شناسی یا علوم کامپیوتر نیست. در مکتب پیچیدگی مسأله مغز سوالی است که متخصصان حوزه‌های مختلف با ابزارهایی که دارند سعی می‌کنند در یک محیط مشارکتی راهی برای حل آن پیدا کنند. مکتب پیچیدگی به ما می‌گوید با تبدیل یک سیستم به اجزای سازنده آن و شناخت اجزا نمی‌توانیم به درک درستی از آن سیستم برسیم. در واقع مکتب پیچیدگی در برابر مکتب تقلیل‌گرایی (reductionism) قرار دارد.

*** کارشناسی ارشد سیستم‌های پیچیده /**
دانشگاه شهید بهشتی

حاکم است. در این سیستم‌ها اجزا در مقیاس ریز برهم‌کنش‌های موضعی دارند ولی در مقیاس درشت رفتارهای «پدیداره» از خود نشان می‌دهند که شبیه به رفتار اجزای آن در مقیاس ریز نیست. ما ناچار به درک سیستم‌های پیچیده هستیم. برای ما که همیشه مجذوب قدرت پیش‌بینی علم شده‌ایم مهم است که بدانیم اگر آنفولانزا در آفریقا شایع شد با چه احتمالی یک آلمانی در چه روزی بیمار می‌شود و با چه احتمالی یک ایرانی در چند روز بعد. برای ما مهم است، چرا که شبکه واگیری بیماری از لحاظ ریاضیاتی موجود ساده‌ای نیست و مطالعه یک فرایند دینامیکی روی چنین شبکه‌ای بدون کمک گرفتن از کامپیوترها غیرممکن است. برای ما حل هم‌زمان تعداد زیادی معادله دیفرانسیل غیر خطی که به یکدیگر وابسته هستند، با قلم و کاغذ اصلاً راحت نیست. حداقل تجربه سال اول و دوم زندگی دانشگاهی‌مان این را به ما گوش‌زد می‌کند. سیستم‌های پیچیده مهم‌اند، چرا که مکتب پیچیدگی

جور دیگر باید دید

از قرن ۱۷ میلادی ما انسان‌ها به امید پیدا کردن الگوهایی در طبیعت با جدیت خاصی شروع به مطالعه دنیای اطرافمان به صورت کمی کردیم. رفته‌رفته عددها مهم‌تر شدند و همه هم و غم ما این شد که بعد از به دست آوردن یک سری عدد، پیش‌بینی کنیم عدد بعدی چیست! گاهی این پیش‌بینی در مورد مکان یک سیاره در آسمان بود. بعد از چند ماه رصد یا دمای یک پیستون پر از گاز و مایع بعد از طی یک فرایند ترمودینامیکی. گاهی هم آن عدد مطلوب، زاویه پرتاب یک توپ بود به لشکر دشمن. الگوهای حاکم بین اعداد همیشه موضوع هیجان‌انگیز و سودآوری برای مردم بود، چرا که قدرت «پیش‌بینی» را در پی داشت.

گزارش

عباس
کریمی

خوش‌خیال بودیم

مادر زیست‌شناسی و زیست‌شناسی توصیف‌کننده موجودات زنده و انسان هم یک موجود زنده و رفتار بازار بورس یا اقتصاد جهانی یا همه‌گیری یک بیماری هم بر اساس عملکرد همین موجودات زنده مشخص می‌شود؛ پس لابد با مقداری محاسبه می‌توان به این پرسش‌ها پاسخ داد.

سره‌ای به سنگ خورده

با این حال رفته‌رفته متوجه شدیم که فهم ما از سیستم‌هایی مانند مغز انسان یا اقتصاد جهانی دچار نواقص جدی است و پیش‌بینی و کنترل رفتار آنها برای ما بسیار دشوار است. گویا این سیستم‌ها پیچیدگی عجیبی دارند. به عبارتی این سیستم‌ها پیچیده‌اند، زیرا با آنکه اجزایشان را می‌شناسیم و رفتار تک‌تک آنها را به خوبی می‌توانیم پیش‌بینی کنیم، اما رفتار جمعی آنها تحت یک ساختار جدید قابل توصیف نیست. می‌دانیم عملکرد سلول‌های عصبی سازنده مغز چگونه است، اما عملکرد مغز را نمی‌توانیم توصیف کنیم. مثلاً نمی‌دانیم تکلیف حافظه چیست؟ می‌دانیم که در سلول‌های عصبی حافظه وجود ندارد، با این حال در مجموعه‌ای از سلول‌ها وجود دارد. همین مجموعه کارهای عجیب و غریب‌تری هم می‌کند. مثلاً سلول‌های عصبی مغز به‌طور جمعی از خود آگاهی نشان می‌دهند، در حالی که آگاهی در هیچ‌کدام از سلول‌های عصبی بیچاره وجود ندارد. تلاش برای حل این قبیل تناقض‌ها که در مقیاس ریز اگر همه چیز آشنا باشد، لزومی ندارد در مقیاس درشت‌تر رفتار سیستم را بتوانیم توصیف کنیم، آغازگر مکتبی جدید در علم بود؛ مکتب پیچیدگی.

هر جا که نظر می‌کنم از تو اثری هست

بشر قرن بیست و یک، به دنبال شناخت سیستم‌های پیچیده است. سیستم‌هایی که از تعداد زیادی اجزا تشکیل شده‌اند و نوعی نظم خودبه‌خودی بر آنها

قدرت پیش‌بینی، مزیت رقابتی علم بر فلسفه بود که از دل مدل‌سازی‌های عددمحور به دست می‌آمد. قرن نوزده و بیست میلادی طی شد و نوبت به هزاره سوم رسید. انسان قرن بیست و یکمی که به گمانش همه علوم را خوب می‌شناخت، با پرسش‌های جدیدی روبه‌رو شد؛ پرسش‌هایی که این بار مرز بین علوم را نشان گرفته بودند. پرسش‌هایی از این جنس که حالا که فیزیک را به خوبی می‌شناسیم، آیا می‌توانیم یک ترکیب آلی را به خوبی توصیف یا مثلاً شیوه تاشدگی یک پروتئین را با دقت خوبی پیش‌بینی کنیم؟ یا اگر متخصص زیست‌شناسی باشیم، پیش‌بینی رفتار جامعه انسان‌ها در شرایط بحران اقتصادی برایمان ممکن است؟ در مورد رفتار بازار بورس چه؟ اکنون که سلول‌های عصبی را می‌شناسیم، آیا کارکرد مغز را می‌توانیم توصیف کنیم؟ آیا می‌توانیم بگوییم که برای سلول‌های عصبی چه اتفاقی می‌افتد که فردی دچار بیماری‌هایی مانند صرع یا پارکینسون می‌شود؟ یا پرسش‌هایی از این قبیل که چرا هنوز مدیریت ترافیک و جلوگیری از مسدود شدن جاده‌ها برایمان دشوار است، مگر ما همان بشری نیستیم که به ماه سفر کرده‌ایم و با توسعه مکانیک کوانتومی بمب اتم ساخته‌ایم؟ چرا بعد از حل کردن این همه مسأله بغرنج، نمی‌توانیم زمان بحرانی برای همه‌گیری یک شایعه یا بیماری جدید در دنیا را محاسبه کنیم و برنامه‌دقتی برای جلوگیری واکسیناسیون مردم تدوین نماییم؟ علی‌رغم این همه پیشرفت در علوم مختلف، چرا در حل این قبیل مسائل ناتوان مانده‌ایم؟

همه اینها پرسش‌هایی بود که به‌خاطر ظاهر ساده‌شان انسان قرن بیست و یکمی نخست فکر می‌کرد «علی‌الاصول» باید بشود جوابشان را پیدا کرد. انسان طی سه قرن گذشته ریاضیات را بسیار گسترش داده و فیزیک را به عنوان علم توصیف‌کننده اتم‌ها به خوبی توسعه بخشیده، فیزیک هم که مادر شیمی است و شیمی



سیستم پیچیده نداریم، ولی نسبت به پارادیم پیچیدگی حس بهتری داریم. پارادایم پیچیدگی بیان می کند که اگر تعداد زیادی جزء در کنار هم کار کنند، با شناخت اجزا اصلا بدیهی نیست که مجموعه را بشناسیم. به عنوان مثال در مورد گاز ایده آل رفتار تک تک اتم های گاز را می دانیم ولی دویست سال طول می کشد که علم جدیدی به اسم ترمودینامیک به دست آید یا اینکه تعداد زیادی نوروں در کنار هم کار می کنند و از آن موجود هوشمندی پدید می آید.

دکتر مقیمی در جواب این سوال بیان می کند که این به نوع شناخت شناسی ما برمی گردد. به عنوان مثال اگر یک ساعت را از روی چرخ دنده های آن بشناسیم، ساعت یک سیستم ساده است ولی اگر



ساعت را مجموعه ای از مولکول ها و اتم ها بدانیم، آنگاه فوق العاده پیچیده می شود.

سوال بعدی پیرامون این موضوع است که چرا این مدل ها در حوزه های مختلف مثل اقتصاد خوب کار می کنند؟ دکتر مقیمی در جواب این سوال می گوید ما یک سری پیچ و مهره داریم و می خواهیم ببینیم به سوراخ هایی که داریم می خورند یا نه؟ ما یک مسأله داریم که می خواهیم آن را حل کنیم. طبیعتا اقتصاد هست، ریاضی هست، فیزیک هم حضور دارد. هرکسی چیزی را وسط می گذارد تا مسأله را حل کند. در بانک های آمریکایی علاوه بر اقتصاددان به دکترای فیزیک و ریاضی هم نیاز دارند. در واقع یک کار بین رشته ای است و با حضور همه آدم ها مسأله تحلیل و بررسی می شود. دکتر روحانی در ادامه بیان می کند کاربرد فیزیک آماری در بقیه حوزه ها مثل جامعه شناسی و اقتصاد است. فیزیک آماری به عنوان یک رشته جدید بیان شده و به تدریج استقلال خود را از فیزیک به دست می آورد. پارادایم مرکزی فیزیک آماری، برهم کنش های مقیاس پایین است تا از این برهم کنش ها بتوان مقیاس بزرگ را پیش بینی کرد؛ مثلا با شناخت رفتار انسان ها بتوانیم اقتصاد یک کشور را پیش بینی کنیم.

سیستم های پیچیده، اقتصاد و فیزیک واحد

گزارش

اولین سخنران سمینار سامان مقیمی است. مقیمی در ابتدا می گوید صحبت کردن درباره سیستم های پیچیده در طول ۲۰ دقیقه کار پیچیده ای است! او در ادامه بیان می کند تعریف چندان دقیقی از مفهوم پیچیدگی وجود ندارد. محور صحبت های او ابتدا پرداختن به تعریف و مفهوم پیچیدگی است. سپس با استفاده از تعریف پیچیدگی، وارد فیزیک می شود و در انتها مدل ها و کاربرد آن در اقتصاد را بیان می کند. مقیمی در ابتدا عکسی از یک پرنده تنها نشان می دهد که در وهله اول ساده به نظر می رسد، به طوری که ما رفتار های این موجود ساده را درک می کنیم، اما مطالعه رفتار جمعی پرندگان با توجه به شناخت رفتار یک پرنده کار بسیار سختی است. سپس با نشان دادن یک نوروں ساده و ذکر این نکته که ما رفتار یک نوروں ساده را می شناسیم، می گوید مجموعه ای از نوروں ها یک پرنده و انسان را تشکیل می دهند ولی مطالعه رفتار یک پرنده از روی نوروں ها کار بسیار سختی است. پس این پرنده ای که قبلا برای ما موجود ساده ای بود، با این نگاه دیگر ساده نیست.

چرا مغز باید اینقدر بغرنج باشد؟ جان نش که حالت دوقطبی داشت می گوید من نمی توانم به دوستانم بگویم زمان توهم و بیداری از هم قابل تفکیک نیست و چرا مغز انسان در این شرایط قرار می گیرد. یا فیزیکدان معروف، لاندائو با یک تصادف تمام اطلاعات فیزیکی اش به حد دبیرستان تقلیل پیدا کرد. چرا سیستم مغز چنین رفتاری از خود نشان می دهد؟ فرض کنید در سال ۲۰۵۰ کتابی با عنوان مغز چگونه کار می کند منتشر شود. می خواهیم ببینیم چقدر از رشته های مختلف در این کتاب نقش دارند. چه حجمی از این کتاب مربوط به عصب شناسان، متخصصان علوم کامپیوتر، علوم شناختی، ریاضی دانان و... است. احتمالا زیست شناسان دوست ندارند همه این کتاب درباره ریاضی یا روش های مهندسی باشد و انتظار دارند بیشتر بخش این کتاب زیست شناسی باشد. در اینجا این سوال مطرح می شود که مغز واقعا چیست؟ مغز واقعا نمی تواند شبیه یک سیستم کامپیوتری باشد. زمانی رواج پیدا کرده بود که مغز یک سیستم آشوبناک است اما با تعریف دقیق ریاضی از سیستم آشوبناک آن را کنار گذاشتند. چون تعریف دقیقی از سیستم پیچیده وجود ندارد، شاید بتوان مغز را یک سیستم پیچیده در نظر گرفت.

عباسیان در ادامه به بیان روش های آماری و علوم کامپیوتری در شناخت مکانیزم مغز و برخی فرایندها مثل خواب یا حرکت ماهیچه زبان می پردازد و سوالاتی را که در سیستم های پیچیده در این حوزه پرسیده می شود، بیان می کند.

تکامل هم پیچیده است

دکتر عطا کالیراد آخرین ارائه دهنده است: ژنتیک تکاملی یکی از آن حوزه های زیست شناسی است که ابتدا مبانی نظری آن ساخته شد و سپس داده های تجربی به دست آمد، برای همین با دیگر حوزه های زیست شناسی که ابتدا داده های آزمایشگاهی آمد و بعد از آن چار چوب نظری، فرق دارد. چار چوب نظری که برای توضیح تکامل موجودات ارائه شد، در نیمه اول قرن بیستم یافت می شود. تصویری که در آن زمان وجود داشت این بود که افراد مختلف به عنوان ژنوم های مختلف همانند سازی می کنند و در این بین رقابت وجود دارد. سوالی که مطرح می شود این است که ژنوم یک فرد به عنوان اطلاعات چه چیزی در بر دارد. در نیمه اول قرن بیستم ماهیت این اطلاعات مشخص نبود. حتی اگر ماهیت اطلاعات مشخص نباشد، می توان یک سری حروف یا جایگاه را برای آن متصور شد و مسأله را ساده سازی کرد. حال اطلاعات را جمع آوری کرده و با انباشتن آنها شایستگی زیستی یک موجود را بررسی می کنیم.

این ساده سازی چند ضرورت داشت؛ اولاً نمی دانستند ماهیت ماده ژنتیکی چیست و می خواستند یک مدل ریاضی بسازند از اینکه یک موجود چگونه تکامل پیدا می کند. نکته دیگر آن بود که ابتدای قرن بیستم کار روی مگس سرکه شروع شد و خیلی از فنوتیپ ها یا تفاوت ها یا جهش هایی که در مگس سرکه رخ می دهد، صرفا غالب و مغلوب ساده ترین برهم کنش بود.

علی رغم اینکه مردم تصور می کردند تصویر حقیقی از ماهیت ژنتیکی یک موجود باید خیلی پیچیده باشد، مدلی که ارائه شد تصویر خیلی ساده ای بود. یک تکامل دان آمریکایی به نام سیمون رایت بیان می کند اگر بخواهیم تکامل یک موجود را بررسی کنیم، کل

مثال دیگر کامپیوتر است. با یک کامپیوتر کارهای ساده و روزمره را انجام می دهیم ولی شبکه اینترنت که مجموعه ای متشکل از میلیاردها کامپیوتر است، رفتارهایی از خود نشان می دهد که با دانستن رفتار یک کامپیوتر نمی توان آن را توضیح داد. یا خرید و فروش در بازار که نمی توان فهمید بورس چگونه به ناگاه فرومی پاشد و قیمت ها چگونه بالا و پایین می شود. پس مسأله به این شکل است که ما چیزی داریم که تعداد زیادی جزء دارد و رفتار تک تک این جزء ها را می توانیم توصیف کنیم ولی به دلیل وجود تعداد بسیار زیاد اجزا رفتاری ظاهر می شود که این رفتار در توصیف تک تک اجزا وجود نداشت و توصیف این پدیده دسته جمعی از روی تک تک اجزا کار بسیار سختی است. اگر چنین مجموعه ای داشته باشیم، من به آن سیستم پیچیده می گویم. البته نحوه طرح سوال بسیار مهم است زیرا در مرحله اول پرنده یک موجود ساده به نظر می رسید ولی در ادامه دیدیم که می تواند یک سیستم پیچیده باشد. حالا در فیزیک سیستم های پیچیده کجا هستند؟ تعدادی مولکول آب را در نظر بگیرید. من با دانستن رفتار یک تک مولکول رفتار آب را نمی توانم توصیف کنم؛ مثل گذار فاز. گذار فاز جایی است که با رفتار یک تک مولکول نمی توان آن را توصیف کرد. با شناخت گذار فاز می توانیم ایده هایی پیدا کنیم که اگر جایی دیگر سیستم پیچیده دیدیم، بتوانیم آن را توصیف کنیم. یکی از انواع گذار فازها، گذار فاز پیوسته است. در گذار فاز پیوسته کمیت های مورد بررسی به صورت توانی رفتار می کنند و خاصیت های فرکتالی نمایان می شود. به عنوان نمونه در مدل آیزینگ درست در نقطه ای که گذار فاز رخ می دهد، سیستم شکلی به خود می گیرد که مقیاس بزرگ و کوچک آن با هم فرقی ندارد. به نظر می رسد فیزیک واحدی برای بررسی تمام این سیستم ها وجود دارد، یعنی اگر نمودار این کمیت هایی را که توانی تغییر می کنند، با مقیاسی عوض کنیم تمام رفتارها یکسان است.

حالا در مورد اقتصاد چه؟ تعداد زیادی آدم در کار اقتصادی وجود دارند و با رفتار های متفاوت به عنوان مثال به خرید و فروش مشغول هستند. پس با معیار ما به نظر این یک سیستم پیچیده است. کاری که می توانیم انجام دهیم این است که قیمت یک سهام مشخص را در طول زمان ببینیم. مهم این است که بتوانیم پیش بینی کنیم که سهام گران یا ارزان می شود. با تعریف کمیت های مناسب مثل نسبت افزایش قیمت و شاخص نوسان در طول یک گام زمانی می توانیم رفتارهایی پیش بینی کنیم. در مورد افزایش قیمت هیچ همبستگی زمانی وجود ندارد؛ اگر چیزی امروز گران شود، هیچ تضمینی وجود ندارد که فردا ارزان یا گران شود. اما در مورد شاخص نوسان به نظر می رسد که رفتار توانی دارد و می توان در مورد آن به عنوان یک شاخص ریسک پیش بینی کرد.

مقیمی در پایان به مدل هایی برای اقتصاد اشاره می کند که فیزیک پیشه گان با استفاده از پدیده های بحرانی و گروه های باز بهنجارش در فیزیک آماری آنها را توصیف کرده اند.

مغز؛ از پیچیده تا بغرنج

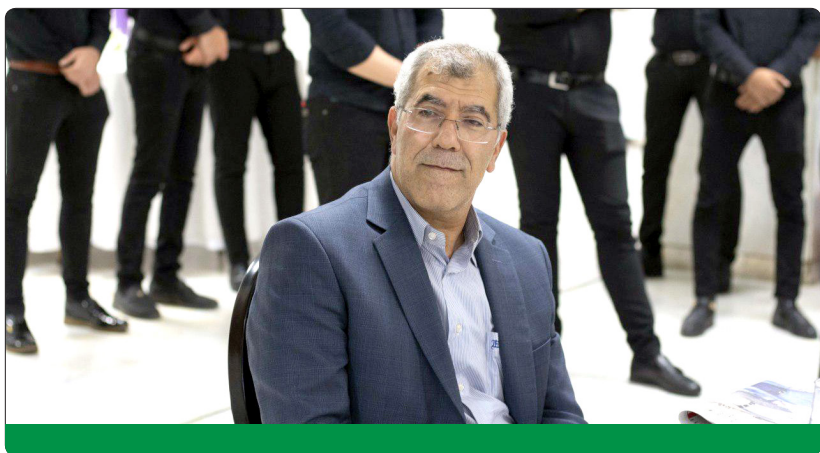
دکتر عباسیان در شروع صحبت های خود از عبدالسلام، فیزیکدان معروف که با پارکینسون از بین رفت، نقل قول می کند که من همه چیز این عالم را فهمیدم ولی یک نوسان کوچک را که باعث بیماری ام شده نمی فهمم!

موجودی صندوق نیکوکاری شریف با حمایت خیرین به پنج میلیارد تومان رسید

جانی دوباره خواهیم گرفت

«به بازاری و به صنعتی دستشونو ببرن بالا، هر کدوم ۱۰ میلیون تقبل کنن که این عدد ژند بشه، اذان رو هم گفتن». گوشه گوشه سالن سلف پسران هرکس دستی بالا برد تا صندوق نیکوکاری بنیاد شریف، رفیق تازه نفس دانشگاه، جانی تازه بگیرد؛ صندوقی که قرار است به زودی یکی از نقاط اتکای اساسی دانشگاه در حال متغیر اقتصادی کشور باشد. اواخر ماه رمضان سال گذشته را خاطراتان هست؟ همان روزی که خبر آمد در دانشگاه یک افطاری مفصل با سلف سرویس و دسر برگزار شد؛ چهارشنبه گذشته این اتفاق تکرار شد. از ظهر سالن پسران (همکف) سلف برای گردهمایی و پذیرایی از حامیان دانشگاه با حضور چهره های سرشناس عرصه کار خیر، به ویژه در عرصه آموزش و پژوهش برگزار شد. امسال نیز همچون سال گذشته، تمام هزینه های برنامه بر عهده بنیاد فرهنگی مصلی نژاد بود.

گزارش



اجازه داریم جواب ندهیم. من به شاگردانم در دانشگاه می گویم اگر سر کلاس دیر آمدید و از شما پرسیدم چرا دیر آمدید، می توانید جواب ندهید و بگویید اجازه بدید من جواب ندم ولی هرگز به من دروغ نگویید». با این مقدمه رویه جدید هیأت مدیره بنیاد شریف را توضیح داد و گفت: «در هیأت مدیره جدید بنیاد شریف تصمیم گرفتیم سایتی راه اندازی کنیم که خیران گرامی بتوانند خیلی سریع با دیدن محل هزینه کرد ریال به ریال حمایت هایشان با آرامش بخوابند و بدانند پولی که به جای خرید والیوم به دانشگاه دادند، کجا هزینه شده است و آرامش بگیرند.»

اعتبار کلاس های مهرماه را امشب فراهم کنیم

معلم و فعال اقتصادی نیکوکار و همیشه پشتیبان آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور اولویت های دانشگاه را برای جذب منابع برشمرد که اولین دغدغه دانشگاه، مجموعه ساختمان جدید کلاس های شمال دانشگاه است که برای تکمیل آن ۵ میلیارد تومان لازم است و قول داد به امید خدا اهداف نهایی عددی آن شب را همین عدد قرار خواهد داد.

پروژه مهم دوم سرباری است برای استادان جوان که تازه جذب دانشگاه شده اند و بسیار با معضل مسکن دست و پنجه نرم می کنند. این معضل آنقدر بزرگ است که تعدادی از این استادان جوان که از دانشگاه های پرآوازه خارج از کشور آمده بودند، تصمیم به ترک مجدد کشور گرفته اند.

پروژه سوم هم دانشکده مهندسی و علم مواد بود که الان در مرحله تکمیل گودبرداری و اسکلت فلزی تا سطح صفر زمین است. با این مقدمات دکتر مصلی نژاد مراسم جمع آوری کمک های خیرین را آغاز کرد؛ کاری که در آن نه تنها تبحر دارد، بلکه چون خودش نیز به آن عامل است یکی معتبرترین افراد برای این کار است. از هر گوشه سالن دستی بالا می رفت و مبالغ مختلفی کمک می شد؛ از کمک های چند صد میلیونی مهندس بهاری، خانواده جمیلی و... تا کمک های چند میلیونی و چند صد میلیونی استادان خودمان. در نهایت مصلی نژاد توانست به حرفش عمل کند و موجودی صندوق نیکوکاری را از ۱٫۴ میلیارد تومان با مشارکت قریب به ۴۰ نیکوکار حاضر در سالن به ۵ میلیارد تومان رساند.

حال نوبت مرکز مدیریت راهبردی دانشگاه و بنیاد شریف است که صحبت های چهارشنبه شب را پیگیری کند و به اهالی دانشگاه و همچنین نیکوکاران و حامیان محترم دانشگاه به صورت چاپک و شفاف روند پیشرفت و تحقق این اتفاقات را گزارش دهد.

آن خللی وارد نخواهد شد، بلکه فقط سود حاصل از آن برای حمایت از دانشگاه اختصاص خواهد یافت. این کار باعث می شود کمک های حامیان با نوسانات اقتصادی قطع نشود و منابع دست خود دانشگاه باشد و آن را به فراخور نیاز هزینه کند. مشایخی در پایان صندوقی را تصویر کرد که ۱۰۰۰ میلیارد تومان در آن وجود دارد و با آن کار می شود و از سود آن، دانشگاه حمایت می شود.

به جای والیوم به سایت بنیاد مراجعه کنید

پس از آنکه تمام کلیپ های برنامه و سخنرانی ها تمام شد، مرد همیشه درخشان عرصه نیکوکاری کشور، دکتر عباس مصلی نژاد، رئیس هیأت مدیره جدید بنیاد شریف و بانی ضیافت افطار حامیان دانشگاه پشت تریبون رفت تا مراسم جمع آوری کمک های خیرین را مثل سال گذشته اجرا کند.

مصلی نژاد گفت: «حمایت از آموزش و پرورش و آموزش عالی، سرمایه گذاری برای آینده است و با این کار هزینه تأمین امنیت برای آیندگان را کاهش می دهیم». سپس به شفافیت اشاره کرد: «ما حق نداریم دروغ بگوییم ولی

مثل صنعتی شریف، تهران و... پذیرای مجموعه ای از دانشجویان اقوام مختلف ایران هستند. رئیس دانشگاه روش های مختلف حمایت از دانشگاه صنعتی شریف را برای نیکوکاران برشمرد: مشارکت در پروژه های مختلف عمرانی نیمه کاره یا مورد نظر خود نیکوکاران، تجهیز آزمایشگاه های پژوهشی که امروزه یکی از گلوگاه های توسعه پژوهش است، اعطای بورسیه تحصیلی برای دانشجویان مستعد یا کم بضاعت و صندوق نیکوکاری شریف. فتوحی در آخر ابراز امیدواری کرد که دانشگاه شریف با رساندن موجودی صندوق نیکوکاری به ۱۰۰ میلیارد تومان از لحاظ مالی، استقلال قابل توجه از منابع دولتی و بودجه ای پیدا کند. پس از آقای رئیس، مجری اعلام کرد که در ضیافت سال گذشته حامیان دانشگاه دو میلیارد تومان تقبل کردند که در ادامه سال ۹۷ این رقم به ۱۰ میلیارد تومان رسید.

سرانه دانشجوی نصف شده است

سخنران بعدی برنامه، مرد تفکر سیستمی دانشگاه، دکتر مشایخی بود. مثل همیشه با لحنی آرام و منطقی نکات پیچیده مورد نظرش را به صورت ساده بیان کرد. اول به نصف شدن سرانه دانشجویان شریف از سال ۸۵ تا ۹۵ با احتساب ارزش پول و قیمت های روز اشاره کرد. سپس سراغ بنیاد شریف، به عنوان سازمانی که مأمور حفاظت و هدایت منابع جذب شده برای دانشگاه است رفت و گفت که بنیاد دوازه اصلی برای هزینه کردن منابع جذب شده دارد: منابع را در یک پروژه و مقصود ویژه مد نظر حامیان تزریق کند یا به صندوق نیکوکاری و سرمایه گذاری منتقل کند.

بنیان گذار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف در واقع برای تشویق حامیان به تزریق کمک هایشان به صندوق نیکوکاری پشت تریبون آمده بود و در جمع حامیان دانشگاه گفت: منابع صندوق را به اهل علم و متخصصان می سپاریم تا به صورت علمی آن را مدیریت کنند و با سرمایه گذاری های صحیح، سود آن را به دانشگاه برگردانند. نکته مهم این است که به اصل مبلغ

در دنیای بخش زیادی از هزینه های توسعه دانشگاه های معتبر دنیا از منابع خیریه و وقف تأمین می شود. این در حالی است که عایدی حاصل از قراردادهای ارتباط با صنعت و شهریه تحصیل، آنقدر زیاد است که نیازی به رفع مشکلات اولیه دانشگاه متصور نباشد، اما باز هم شاهد کمک هایی در مقیاس میلیارد دلاری به دانشگاه های برتر دنیا هستیم که بیشتر صرف توسعه آنها می شود. ایرانیان به واسطه فرهنگ کهن خود، همیشه در کار خیر دستی بر آتش داشته اند و نیکوکاری در اسلام هم بسیار توصیه شده است و فرهنگ «وقف» در آن بسیار پررنگ و عملی متعالی است. این فرهنگ در طول تاریخ به صورت احداث مسجد، کاروان سرا و... به ظهور می رسید و امروزه در بحث مدرسه سازی نیز کاملاً متجلی است. هر چند وقف در امری چون آموزش عمومی بسیار جا افتاده است، اما در آموزش عالی هنوز آن طور که شایسته است شناخته نشده، ولی روبه رشد دارد. گردهمایی چهارشنبه به همت مرکز مدیریت راهبردی و توسعه منابع دانشگاه، به منظور فرهنگ سازی و جذب منابع مالی برای همین امر برگزار شد. روابط عمومی، حراست، روزنامه شریف، اداره امور تغذیه و... نیز برای برگزاری مطلوب این برنامه، به کمک مدیریت راهبردی آمدند.

صندوق ۱۰۰ میلیاردی

اولین سخنران گردهمایی حامیان دانشگاه، میزبان برنامه یعنی دکتر فتوحی، رئیس دانشگاه بود. او ابتدا تصویری کلی از مختصات و اندازه دانشگاه به مهمانان داد و گفت که شریف ۱۲ هزار دانشجوی ۴۸۰ عضو هیأت علمی دارد و ۹۸ درصد رتبه های زیر صد کنکور سراسری ریاضی فیزیک و همچنین ۱۰۰ درصد طلاهای المپیاد برای ادامه تحصیل، شریف را انتخاب می کنند (البته به جز کسانی که رشته مورد نظرشان در شریف نیست؛ مثل معماری). سپس به فرهنگ حمایت در بسیاری از دانشگاه های استانی کشور اشاره کرد که بین خیرین همان استان وجود دارد و گفت دانشگاه های پیشرو



دکتر علینقی مشایخی



دکتر عباس مصلی نژاد

حق هم‌زمان

حدود ده روز پیش و در کشمکش‌هایی که مسئولان ایرانی و آمریکایی در سخنرانی‌هایشان داشتند، عباس عراقچی، معاون وزارت خارجه در بخشی از صحبت‌هایش گفت در صورتی که درآمد ایران به نحو چشم‌گیری کاهش پیدا کند، از مهاجران افغان می‌خواهیم کشور را ترک کنند. این صحبت‌های عراقچی با واکنش‌های زیادی در فضای حقیقی و مجازی همراه بود و عده زیادی این را خلاف انسانیت خواندند. بعضی هم عقیده داشتند این صرفاً یک بازی سیاسی است و واقعا حکومت قصد چنین کاری را ندارد.



Morteza Haddadi

نظافتچی باشگاهمان #افغانستانی بود، پارسال که گرانی آمدرفت، فک کردم برمی‌گردد افغانستان اما رفت اروپا،

جملات #عراقچی و جملات روحانی جفتشان یک معنی دارد، تهدید اروپا به سیل مهاجران.

همین قدر ضعیف



Javad Darvish

اینکه خواستار اخراج اتباع افغان شویم غیرانسانی و غیردینی است اما اگر این یک بلوف یا رجز سیاسی باشد، هیچ تهدیدی برای اروپا از این کارسازتر نیست چون هیچ معضلی الان برای اروپا بدتر از اضافه شدن چندمیلیون مهاجر نیست. فشار افکار عمومی و جنگ رسانه‌ای هم در اینجا به شدت علیه دولتمردان اروپایی ست



Yousef Soltanian

۷۳۵ هزار مهاجر افغان بدون هیچ ساماندھی ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار نفر مهاجر عموماً افغان بدون شناسنامه ارزان‌ترین کارگرها ممکن برای استثمار کودکان افغانی که ۴۰ درصد جمعیت کودکان کارن اینهمه مدت چکار کردیم براشون که حالا داریم ازشون به عنوان تهدید استفاده می‌کنیم؟ فرسنگ‌ها تا اخلاق فاصله داریم

مناظره پرسر و صدا

مصطفی تاج‌زاده از فعالین معروف اصلاح‌طلب و کسی که چند سال زندانی سیاسی بوده، همیشه یک‌پایش در دانشگاه بوده و از مخالفانش دعوت می‌کند در دانشگاه با آنها مناظره کند. تاج‌زاده تا به حال پیش از این هم به دانشگاه شریف آمده است. دوشنبه مناظره‌ای که بسیج بین مصطفی تاج‌زاده و سید محمود نبویان برگزار کرد با استقبال زیادی مواجه شد و مناظره‌کنندگان باز خورد‌های مثبت و منفی زیادی در فضای مجازی گرفتند.



Amirali Rahbar

امروز تاج‌زاده دانشگاه مناظره داره و طبیعتاً از دست دادنش ضرره نکته جالب نوشتن «۷ سال زندانی سیاسی» زیر اسم تاج‌زاده تو پوستر بسیجه



SOBHANRAHMANI

دیروز تو برنامه مناظره دوتا چیز نظرم رو جلب کرد. یکی امضای آقایون برای تحویل دادن فرماندهان ایرانی به آمریکا و دومیش زرنگی (!) یکی از مدعوها که چندجا کاملاً بی‌دلیل از آقای موسوی مایه گذاشت که به نظرم یه اکثت کاملاً عوام‌فریبانه بود تا از احساسات ملت سوءاستفاده کنه که موفق هم شد!



Ali Hashemi

چقدر مناظره امروز خوب بود کلافضای سیاسی هر چندوقت به‌بار بوجود بیاد خوبه دونفر از دو حزب رقیب که از اول تا آخر شلنگ رو رو به هم گرفته بودن منتهی شلنگ‌ها به یک منبع وصل بودن :))



Folaan

دقایقی پیش تاج‌زاده: مشکلات ما از آنجا آب می‌خورد که به حرف ما گوش ندادند و نام ایران تحت شورای امنیت رفت. تا قبل از آن امریکا یک کشور بود. ولی وقتی #جامعه جهانی پشت آن رفت #دلار ۳/۵ برابر شد. برجام ما را از ذیل فصل هفت خارج کرد. این بابا به سال عقبه این یه سال جامعه جهانی چه غلطی کرد

مهدی



امروز در مراسم مناظره بین آقای تاج‌زاده و نبویان وجود داشتم، موضوع مناظره علل پسرفت ایران بود، تاج‌زاده دلایل خود را برای علت این موضوع اعلام کرد اما نبویان تنها از جزئیات بر جام سخن گفت و به موضوع کلی توجه کمی داشت، حرف‌های تاج‌زاده مشخص و منطقی‌تر بود اما نبویان از صفات مبهم مانند ضد دینی و غربگرا استفاده می‌کرد و غیر منطقی‌تر صحبت می‌کرد.

با هم کریم‌تر باشیم

حدود دوهفته از شروع ماه رمضان امسال می‌گذرد. ماهی که ابعاد زیادی از زندگی همه جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نظرات شریفی‌ها را در رابطه با ماه رمضان در توییتر دنبال کردیم؛ از داستان‌هایشان گرفته تا بحث و جدل‌ها بر سر مسأله روزه‌خواری.



خان فرهاد

ماه رمضان فقط اونجاش که الان سه روزه می‌خوام زنگ بزنم بنیاد ولی ساعت خوابم کل ساعت اداری رو پوشش میده و نمیشه :)



Ghalandar

راه حل روزه رو پیدا کردم. با تخم شربتی و هندونه مشکل تشنگی حله. با متفور مین اکستندد ۱۰۰۰ مشکل گشنگی حله. اگر تایم ناهار هم که اضافه میاد رو در نظر بگیري؛ خیلی خوبه ماه رمضان.



زهرا حسین خانی

توی ماه رمضان بین یه برنامه غذایی ایده‌آل و یه برنامه خواب ایده‌آل، حداکثر یکی رو می‌شه انتخاب کرد.



Alireza Esmaili

این گشت‌های مبارزه با روزه خواری (؟؟؟) رو میبینم یاد این دیالوگ رضا مارمولک می‌فتم: آقای فضلی، بهشت که زورکی نمیشه آخه عزیز دل برادر... اونقدر فشار میاری که از اونور جهنم میزنه بیرون !

روزنامه

دانشگاه صنعتی شریف

سال هفدهم • دوره جدید • شماره ۸۱۸

شنبه ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

۷

هزار قلم

از هر دری سخنی



Ali Salehi

بچه‌هایه نفر هست که دور و بر دانشگاه به بهونه تموم شدن بنزین میاده‌ی از دانشجویا پول میگیره، سناریوهاش هم همش تکرار یه، میگه شیشه ماشینم رو شکستن، همه چیزم رو بردن، زن و بچم هم الان موندن توماشین... خلاصه گولش رو نخورید لطفا #ریتویت کنید بقیه هم باخبر بشن



ملیکا

اینور خونه‌مون مسجده دارن پشت بلندگو دعای بعد افطار می‌خونن، اونور خونه‌مون یه‌سری هندی یه مراسم عروسی طوری گرفتن دارن طبل می‌زنن آواز می‌خونن، واقعا این سطح از تقابل فرهنگی و سنت‌ها بی‌سابقه‌ست.



Lev Nikolayevich

دانشگاه رو تا حالا اینجوری دیدم که: سال اول همه‌چی عجیبه و بچه‌ها غالباً سربه‌زیرن / سال دومی‌ها دیگه اکیپ میشن و کلا کف دانشکده پلاسزن / سال سوم هیچ‌انا کم میشه و ملت درگیر روزمرگی میشن / سال چهارمیا کم و بیش تنها و درگیر کارای رفتن / اما اینایی که پنج‌ساله میشن خیلی غریبن، مظلوم و بی‌کس

مردمان شریف

پسری از کویر ورزنه

رضا علیپور

قبل اینکه پیام دانشگاه به برق علاقه داشتم، حتی رفتم کلاس‌های برق صنعتی توی فنی حرفه‌ای رو شرکت کردم. ولی چیزی که تو دانشگاه بود با تصورم فرق داشت، تئوری بود، حجم تمرینا و گزارشا و پیش‌گزارش‌ها هم زیاد بود، یه جورایی انگار فقط باید درس می‌خوندم. وقت آزادم خیلی کم بود. تصمیم گرفتم تغییر رشته بدم. با حذف گزینه بین رشته‌ها رفتم صنایع. صنایع خب یه جوریه که جهت‌گیری خاصی نداره، همه‌چی توش داره. می‌تونی چیزی که می‌خوای رو پیدا کنی. شریف رو بیشتر به خاطر جوزدم. اگه برگردم به عقب، هم بازم شریف رو می‌زنم؛ درسته با استانداردهای ایده‌آل فاصله داره ولی در مقایسه با دانشگاه‌های دیگه بهتره به نظرم. سه ترم اول که برق بودم سخت گذشت. ترم چهارم تغییر رشته دادم به صنایع، وقت آزادم یهو خیلی زیاد شد. از تابستون ترم ۵ تورلیدری رو شروع کردم. یه شانس خیلی خوب که آوردم و یهو همه‌چی جور شد، این بود که ترم ۵ کلاس‌های تورلیدری توی خود دانشگاه برگزار شد. کلاسش خیلی خوب بود. دایی‌هام تو شهرمون اومدن خونه پدر بزرگم رو اقامتگاه کردن برای مسافره‌های خارجی، چون غیر من و یه دونه داییم کس دیگه‌ای انگلیسی بلد نبود، من شدم راهنمای توریست‌ها. واسه داییم کار می‌کردم و





سلام! خوبید؟ از حال ما اگر می‌پرسید، ملالی نیست جز دل‌تنگی شما. از همان آخرین روز کذایی که گفتید نظرم آن برای تان مهم است و

نظرمان را خواستید رفته اید و یحتمل تاکنون جای ما را هم با یکی از این دلبران ظریف تان پُر کرده اید. یاد آن روز به خیر. این آخرین نامه را به مناسبت سالگردمان برای تان می نویسم. این دو سال را در دوری تان چه سخت سر کردیم تا به اینجا رسیدیم! از سال پیش که دیگر جواب رقعۀ هایمان را هم ندادید، صبح تا شب مجبوریم متلک های این نانحبیبان کوچۀ و خیابان را تحمل کنیم. جیک جیکشان در مجازی، خواب شب و در حقیقی آرامش روز را از ما سلب کرده. عدلیه نیز پاسخ شان را نمی دهد. خانه خرابمان کرده اند لا مروت ها از بس که با چوب پرچم هایشان بر در و دیوار خانه مان کوفتند؛ البته که خانه بدون بالاسری، همان خراب باشد بهتر است.

آن اوایل می گفتید با مسافرتان موافقت کنیم و غر کمتر بزنیم. در عوض می روید و از ممالک راقبه، برای مان قاقالی‌لی‌های گوناگون می آورید، ما هم خر شدیم و افسارمان را دادیم دست شما. تصدق‌تان شوم، قاقالی‌لی فدای سرتان، همان چند غازی که برای توشه سفر برداشتید با خودتان بردید امروزه بس لازم می‌نماید و افسوس که جیب کنیزتان خالی است و مردان کوی و بزن، حریص و وقیح. شده ایم ورد زبان‌های آلوده‌شان. مر حمت فرمایید، این تن بمیرد، رضایت دهید و از خیر اجانب بگذرید که اینجاست جای‌تان خالی ست. قول داده بودید که اگر مجال‌تان بدهیم و به شما اعتماد کنیم، در عوض رخصت می‌دهید که گاه سر به میدان اصلی شهر بگذاریم و شهر را ببینیم. از خدا که پنهان نیست، از شما چه پنهان! از همان موقع که در میدان شهر به عقدتان درآمدیم، حسرت دیدن میدان شهر برای بار دوم به دلمان مانده. خسته شدیم از بس گفتید، ضعیفه را چه به تردد در شهر.

یادش به خیر، آن شب‌هایی که می‌گفتید البسه ملوان و آتش‌نشان ... بر تن کنم و خودم را بزک کنم بلکه خستگی‌تان در برود. ماهم شیطنت کردیم و جای خالی را با لباس کارگر و خبرنگار پُر کردیم، بلکه بتوانید دستگیرمان کنید و به قدرت لایزال تان بنازید. بالاخره هر از گاهی باید یادآوری می‌شدید که در این خانه، حرف، حرف یکی‌ست!

بیش از این زبان به زیاده‌گویی
نمی‌گردانم که مایه خستگی‌تان نشوم.
سالگرد ریاست‌جمهوری، تان مبارک.

قربان شما؛ ملت کم کار و
انتظاربرآورده نکران!

● دانشجوی شریف ما وقتی داشت آخرین کلمات پروژه کارشناسی را تایپ می کرد لپ تاپش سوخت.

● **استاد شریف ما** وقتی دانشجویانش می‌خواستند در مورد دفاع پروژه کارشناسی و پایان‌نامه‌نظرش را بپرسند، گفت: «شما کی بودید؟ اصلاً مگه با من پروژه داشتید؟»

● **دانشجویان شریف** ما از دانشگاه به کتابخانه‌ای خارج دانشگاه رفته بودند، ولی چون مقعنه نداشتند و لباس آستین کوتاه پوشیده بودند راهشان نمی‌دادند.

● دانشجوی شریف ما وقتی کسی که اسم و اول فامیلی اش با خودش یکسان است در گروه پیام می دهد،

پرسشنامه دارین؟: | آغا شما چقدر عشق نظر سنجی و ۴۳۴****۹۳۰:

در میان ما حالا به نفر هم به نظر شما اهمیت می ده اینه
بر خوردتون؟

۸۲*****۰۹۲۲: سلام. خسته نباشید.
قبلا تو کانال روزنامه، یه بخش برنامه‌های پیشنهادی
وجود داشت که هر روز، رویدادهای فردای اون روز

● **مدیر مسئول:** **مر تضى يارى** ● **سر دبیر:** **محمد صالح انصاری** ● **دبیر:** **تحریریه: محمد جواد شاکر** ● **تحریریه:** **حسین رحبی، سحر بختیاری، محمد جانمرد، هانف محقق، محمد حسین هوائی، زینب مجبی، سارا زمردی، محمد جواد هاشمی، سپهر حجازی، پیمان ملک محمدی، امیر رضا درودیان، فراز مللاجفری، نگین خسروانی نژاد، مهدی فخر آبادی، سینا هوشنگی، رضا علویور، زهرائوفی و محمد ملانوری** ● **مدیر فنی:** **سامان موحدی** ● **سرویس عکس:** **میلاد مظفری** ● **صفحه ۱:** **اسید سیحان علی ثابت** ● **ناظر چاپ:** **وحید ملک**

یک عاشق پاک و یک دل‌زده کجاست؟ / یک سوخته، بی فکرِ پراکنده کجاست؟
چون بنده‌ی اندیشه‌ی خویش اند همه / پس در دو جهان خدای را بنده کجاست؟
(عطار نیشابوری، قرن ششم، رباعیات)

بیشتر از قبل تعلی می‌کند و دانشکده مواد و هوا فضا و مکانیک و ساختمان جدید آموزش که چشمان به تحقق آن سفید شد. این شماره از روزنامه را تقدیمی می‌کنیم به روزهای بی‌پولی دانشگاه که به امید خدا و با حمایت نیکوکاران و «مردم» دیگر تبدیل به خاطره خواهند شد.

این شماره از روزنامه تقدیم می‌شود به کسانی که از نان فکر و بازاری خود انفاق و وقف می‌کنند. تقدیم می‌کنیم به کسانی که برای آیندگان این مرز و بوم سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ با ساختن راه، راهی به نام آموزش که در آن مسیر تعالی ورشد هموارتر خواهد بود. این شماره تقدیم می‌شود به بودجه عمومی که هر روز در رسیدنش به دانشگاه

چند نفر از هموطنان عرب زبان و دانشجویان بین المللی پرشمار عرب دانشگاه به اسم پیچک اعتراض کردند که تلفظ آن سخت است. به همین مناسبت سری به دهخدا زدیم که تخصصش پیدا کردن جایگزین برای نام هر چیزی است. نام‌های دیگر پیچک عبارت است از دار دوست، کتوس، مهربانک، عشق پیچان. خود عرب‌ها هم به آن می‌گویند لبلاب یا لولب که گفتیم اگر بخواهیم این نام‌ها را بگذاریم، فارسی‌ها به جانمان می‌افتند.

کوشا معاونی نژاد یکی از فارغ التحصیلان قدیمی شریف است که بیشتر برای تفریح پازل طراحی می کند. ما اسم آن را «پیچک» گذاشتیم. چرا؟ چون شاخه شاخه است و همه جای آن به هم وصل است.

قوانین این بازی ساده است. شما باید همه جزیره (دایره) ها را با استفاده از پل (خط) هایی که بین آنها رسم می کنید، به هم متصل نمایید. البته پل ها باید شرایط زیر را داشته باشند:

- پل‌ها نباید یکدیگر را قطع کنند.
- پل‌ها می‌توانند عمودی، افقی و یا ۴۵ درجه باشند.
- حداکثر یک پل می‌تواند دو جزیره را به هم متصل کند.
- تعداد پل‌هایی که به هر جزیره وصل می‌شود باید با شماره آن جزیره برابر باشد.
- اتصال جزیره‌ها از طریق پل‌ها باید یک گراف همبند تشکیل دهد.
- چند پل در شکل اولیه داده شده‌اند. شما باید بقیه پل‌ها را پیدا کنید.

A 10x10 grid of circles, each containing a number from 1 to 4. Some circles are connected by solid black lines, forming a path. The connections are as follows:

- Row 1: (1,1) to (1,2); (1,4) to (1,5); (1,5) to (2,5); (1,5) to (2,4); (1,5) to (2,6)
- Row 2: (2,4) to (2,5); (2,5) to (3,5); (2,5) to (3,4); (2,5) to (3,6)
- Row 3: (3,2) to (3,3); (3,3) to (4,3); (3,8) to (3,9)
- Row 4: (4,1) to (4,2); (4,2) to (5,2); (4,9) to (4,10)
- Row 5: (5,2) to (5,3); (5,3) to (6,3); (5,10) to (5,11)
- Row 6: (6,4) to (6,5); (6,5) to (7,5); (6,5) to (7,4); (6,5) to (7,6)
- Row 7: (7,2) to (7,3); (7,3) to (8,3); (7,8) to (7,9)
- Row 8: (8,1) to (8,2); (8,2) to (9,2); (8,4) to (8,5); (8,5) to (9,5); (8,5) to (9,4); (8,5) to (9,6)
- Row 9: (9,1) to (9,2); (9,2) to (10,2); (9,4) to (9,5); (9,5) to (10,5); (9,5) to (10,4); (9,5) to (10,6)
- Row 10: (10,1) to (10,2); (10,2) to (11,2); (10,4) to (10,5); (10,5) to (11,5); (10,5) to (11,4); (10,5) to (11,6)

استاد
شریف
ما ...

دانشگاه زنگ زد بگو یاد دم اتا قم در خدمتش هستم.»

گیج می شود و فکر می کند خودش آن پیام را داده.

● **دانشجویان شریف** ما برای اینکه خود را به افطاری خیرین دانشگاه برسانند، مسیری صعب العبور را که از سلف دختران و طبقه دوم سلف پسران می‌گذشت انتخاب کردند تا بدون آنکه کسی مانعشان شود به سلف پسران، محل برگزاری افطاری و سرو غذا برسند.

● **دانشجوی شریف** ما به در آزادی دانشگاه می‌گویید در شمالی، چون اگر از در آزادی خارج شود به شمال خانه‌شان می‌رسد.

● **دانشجوی شریف** ما با اینکه گوشی موبایلش را در دانشگاه گم کرده بود، به خانه رفت تا به مسابقه فوتبال دیر نرسد.

● **استاد شریف** ما گوشی موبایلش دست مادرش است. وقتی با شماره اش تماس گرفته شد، مادرش گوشی را برداشت و گفت: «دکتر گفته هر کسی از

۸۲۷**** گفتار چهارم در بیان راه درمان و جلوگیری از
دانشگاه از مشکلات تشون گفتن رو گوگل کنید، تیتري که
پیشنهاد میده اینه: مشکل جوانان ما

چه تیتیر ضایعی بودید این؟
 فکر کنم گوگل شما منوال (manual). یه بار
 برج میلاد رو جست و جو کن اگر جوابش راضیت کرد
 بدون مشکل از گوگلته!

دانشگاه رو توش می داشتید. کجا رفت؟ آگه ممکنه ادامهش بدید.

با تشکر
 اشاره کردی. می‌خواستم بگم از فردا مسئولیت این کار
 را بتو! برای شماره ۰۶۶۱۶۶۰۰۶، برنامه‌های فردا
 رو بفرست و از فردا روزنامه‌ای شو.

پیامک